

An Explanation of the Framework of Cultural Policy-making in the Thought of Mahdism

Reza Abravesh¹

Ali Hashemzadeh Koushk Qazi²

Received: 15/02/2020

Accepted: 17/05/2020

Abstract

Cultural policy-making is a set of systematic actions to advance and develop the cultural activities. The societies, which are based on their own intellectual thoughts and principles, have a framework for their policy-making especially cultural policy-making. In fact, thoughts have a great impact on cultural policy-making. The issue dealt with in this study is the discovery and explanation of the cultural policy-making framework based on the thought of Mahdism. In Mahdism's thought, cultural policy-making has its own cultural goals and components of policy-making. Therefore, in order to explain it two questions can be raised, which are: What are the cultural goals in the thought of Mahdism? In addition, what are the components of the cultural policy framework in Mahdism? This study aims to provide a framework for cultural policy-making in Muslim societies based on the thoughts of Mahdism. In this regard, the teachings of Mahdism were examined by the method of analyzing the themes. In addition to analysis of the themes of Mahdism teachings, the themes of "expansion and spread of justice", "development of global security", "evolution of intellect and thought" and "globalization of Islamic culture" as "cultural goals in Mahdism thought" and "networking", "implementation and enforcement", "internalization of values", "participation in affairs" and "dignity" were identified and explained as the components of cultural policy-making in the thought of Mahdism.

Keywords

Policy-making, cultural policy-making, Mahdism thought, components of policy-making, cultural goals.

1. Assistant professor at University of Islamic Sciences, Qom, Iran. (Author in charge) Abravesh@maaref.ac.ir

2. M.A student, Baqir al-Ulum University, Qom, Iran. alhashemzadeh1361@gmail.com

تبیین چارچوب سیاست‌گذاری فرهنگی در اندیشه مهدویت

علی هاشم‌زاده کوشک قاضی^۲

رضا ابروش^۱

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۲/۲۸

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۱/۲۶

چکیده

سیاست‌گذاری فرهنگی مجموعه اقداماتی نظام‌مند برای پیشرفت و توسعه فعالیت‌های فرهنگی است. اهمیت این موضوع باعث شده تا جوامع مختلف مبتنی بر اندیشه‌ها و مبانی فکری خود چارچوبی برای سیاست‌گذاری به‌ویژه سیاست‌گذاری فرهنگی ارائه کنند. در واقع اندیشه‌ها تأثیر بسزایی بر سیاست‌گذاری فرهنگی دارند. در اندیشه مهدویت سیاست‌گذاری فرهنگی دارای چارچوب خاص خود است که برای تبیین و تحلیل آن می‌توان از آموزه‌های مرتبط با اندیشه مهدویت بهره جست. مسئله‌ای که در این پژوهش به آن پرداخته می‌شود کشف و تبیین چارچوب سیاست‌گذاری فرهنگی مبتنی بر اندیشه مهدویت و هدف این پژوهش ارائه یک چارچوب مفهومی برای سیاست‌گذاری فرهنگی در جوامع مسلمان مبتنی بر اندیشه‌های مهدویت است. در همین راستا آموزه‌های مهدویت با روش تحلیل مضامین تحلیل شده‌اند. پس از تحلیل مضامین آموزه‌های مهدویت، مضامین «گسترش و شیوع عدالت»، «گسترش امنیت جهانی»، «تکامل عقل و اندیشه» و «جهانی‌شدن فرهنگ اسلامی» به‌عنوان «اهداف فرهنگی در اندیشه مهدویت» و مضامین «شبکه‌سازی»، «اجرا»، «نهادینه‌سازی ارزش‌ها»، «مشارکت در امور» و «عزت‌مدارانه» به‌عنوان مؤلفه‌های سیاست‌گذاری فرهنگی در اندیشه مهدویت شناسایی و تبیین شدند.

کلیدواژه‌ها

سیاست‌گذاری، سیاست‌گذاری فرهنگی، اندیشه مهدویت، مؤلفه‌های سیاست‌گذاری، اهداف فرهنگی.

۱. استادیار دانشگاه معارف اسلامی، قم، ایران. (نویسنده مسئول)

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه باقرالعلوم ۷، قم، ایران.

Abraresh@maaref.ac.ir
alishashemzadeh1361@gmail.com

سیاست‌گذاری فرهنگی در زمره سیاست‌گذاری‌های عمومی قرار دارد که دولت‌ها یا بخش‌های غیردولتی تهیه و اجرا می‌کنند. سیاست‌گذاری‌های فرهنگی نگاه ویژه و خاصی به مقوله فرهنگ و فعالیت‌های فرهنگی دارند. اهمیت فعالیت‌های فرهنگی باعث شده است تا از سیاست‌گذاری فرهنگی استقبال شود. علی‌رغم اهمیت این موضوع، هنوز مطالعات و بررسی‌های گسترده‌ای در این حوزه انجام نشده است؛ به همین دلیل سیاست‌گذاری‌های فرهنگی به‌طور عمده از مطالعات و پژوهش‌های انجام‌شده در سیاست‌گذاری عمومی و اجتماعی بهره می‌برند.

جوامع مختلف برای توسعه و تعالی فرهنگی نیازمند سیاست‌گذاری‌های فرهنگی‌اند. به همین منظور باید برای سیاست‌گذاری‌های فرهنگی چارچوب مدونی مهیا کنند. گوردون معتقد است به علت اینکه هر کشوری فرهنگ خویش را ابزار تشخیص خود می‌داند، همواره بر وجود تمایز آن با دیگر کشورها تأکید دارد؛ از این رو ساختارهای تخصیص سرمایه‌های دولتی به فعالیت‌های فرهنگی در کشورهای مختلف به اندازه نقشه‌های جغرافیایی آنان با یکدیگر متفاوت است (گوردون و ماندی، ۱۳۸۳، ص ۶۶). در اندیشه مهدویت که داعیه حکومت و فرهنگ مهدوی در آن موج می‌زند، سیاست‌گذاری فرهنگی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. هر حکومت و نظامی برای پیشبرد اهداف فرهنگی خود از چارچوب سیاست‌گذاری فرهنگی ویژه‌ای استفاده می‌کند. اندیشه مهدوی نیز از این قاعده مستثنی نیست و به‌منظور توسعه و تعالی فرهنگ اسلامی در پرتو نظام و حکومت مهدوی دارای چارچوب سیاست‌گذاری فرهنگی خاص و منحصر به فردی است. جوامع مسلمان که دکنترین مهدویت را مبنا و ملاک فعالیت‌های فرهنگی خود قرار داده‌اند، نیازمند بررسی آموزه‌های مهدوی هستند تا براساس آن چارچوب سیاست‌گذاری‌های فرهنگی را تدوین و در جوامع اسلامی اجرا کنند. مسئله این پژوهش نیز ناظر به همین موضوع است. چارچوب سیاست‌گذاری فرهنگی در اندیشه مهدویت مبتنی بر اهداف فرهنگی و مؤلفه‌هایی است که هریک در

جای خود نقش مهمی در سیاست‌گذاری‌های فرهنگی در اندیشه مهدویت ایفا می‌کنند. به‌منظور تبیین این چارچوب، نخست باید اهداف فرهنگی در اندیشه مهدویت شناسایی و تبیین شوند و سپس با بررسی در آموزه‌های مرتبط با مهدویت مؤلفه‌های این چارچوب شمارش و تبیین شوند؛ به همین دلیل دو سؤال در این پژوهش مطرح می‌شود. نخست اینکه اهداف فرهنگی در اندیشه مهدویت چیست؟ و دوم اینکه مؤلفه‌های چارچوب سیاست‌گذاری فرهنگی در اندیشه مهدویت کدام است؟ هدف این پژوهش نیز تبیین چارچوب سیاست‌گذاری فرهنگی در اندیشه مهدویت است که دو هدف فرعی شناسایی اهداف فرهنگی و مؤلفه‌های چارچوب سیاست‌گذاری فرهنگی در اندیشه مهدویت را دنبال می‌کند.

۱. مفهوم‌شناسی

به‌منظور تبیین چارچوب مفهومی سیاست‌گذاری فرهنگی در ابتدا مفاهیم آن توصیف می‌شوند:

۱-۱. سیاست‌گذاری

فرهنگ و بستر سیاست‌گذاری را تعیین یک مسیر و روش عملی و مشخص از بین گزینه‌های مختلف با ملاحظه شرایط معین برای هدایت و تعیین تصمیمات مربوط به حال و آینده توصیف می‌کند. در تعرف دیگری، سیاست‌گذاری به یک برنامه کلی سطح بالا که اهداف عمومی و رویه‌های قابل قبول را شامل می‌شود، گفته می‌شود (www.merriam-webster.com/dictionary/policy)؛ به همین دلیل سیاست‌گذاری به خط‌مشی نیز مشهور است. در واقع سیاست‌گذاری بیانگر مجموعه‌ای از اقدامات نسبتاً ثابت و هدفمند است که یک فرد یا مجموعه‌ای از بازیگران برای پرداختن به یک مسئله یا دغدغه دنبال می‌کنند؛ بنابراین خط‌مشی یا سیاست‌گذاری بر آنچه دولت در عمل به‌طور واقعی انجام می‌دهد، متمرکز است، نه آنچه صرفاً پیشنهاد داده یا قصد انجام آن را دارد (دانایی‌فرد، ۱۳۸۸، ص ۱۲).

۱-۱-۱. سیاست‌گذاری فرهنگی

سیاست‌گذاری فرهنگی که از زیرمجموعه‌های سیاست‌گذاری محسوب می‌شود، شامل مجموعه‌ای از تدابیر برای تعیین وظایف دولت و سازمان‌های غیردولتی در زمینه فرهنگ برای رسیدن به اهداف مورد نظر است (شریفی و فاضلی، ۱۳۹۱، ص ۶۹)؛ بنابراین سیاست‌گذاری فرهنگی بیانگر شیوه فعالیت‌ها و اقداماتی است که سازمان‌های دولتی و غیردولتی در حوزه فرهنگ و برنامه‌های فرهنگی دنبال می‌کنند.

۲-۱. مهدویت

درباره مفهوم «مهدویت» باید گفت این واژه متشکل از «یا» نسبت و «تا» تأنیث است که به‌عنوان صفت برای موصوف محذوف است. مانند العقیده المهدویه (الهی‌نژاد، ۱۳۹۵، صص ۳۰-۳۱). موصوف آن می‌تواند شامل مسائل یا عقاید یا مباحث باشد، مانند «الحسنه» یا «السیئه» در آیه شریفه «مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ أَمْثَالِهَا وَمَنْ جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَلَا يُجْزَى إِلَّا مِثْلَهَا وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ» (انعام، ۱۶۰) که صفت است برای موصوف محذوف «الاعمال»؛ از این رو مهدویت نیز صفت است برای موصوفی همچون عقاید و مسائلی که منسوب و مربوط به مهدی ۷ است (لطیفی، ۱۳۹۴، ج ۱، ص ۲۴).

۲. مبانی نظری پژوهش

۱-۲. نقش اهداف در سیاست‌گذاری فرهنگی

سیاست مجموعه‌ای است که شامل اهداف، مقاصد عملی و شیوه‌هایی است که یک گروه یا سازمان دنبال می‌کنند. سیاست بیانگر وجود اهداف غایی و ابزارهایی است که در یک نظام به‌طور کامل و همیشه با هم ترکیب شده‌اند (Girard, 1983, pp. 171-172). در واقع اهداف، مبنایی برای سیاست‌گذاری‌اند. بدون اهداف سیاست‌گذاران دچار سرگردانی می‌شوند؛ به همین دلیل تبیین اهداف پاسخی به چرایی سیاست‌ها و سیاست‌گذاری‌ها است. تحلیل‌گران سیاست‌گذاری همواره درصدد ارائه توصیف و تبیین علل یا پیامدهای سیاست‌گذاری هستند (دنهارت، ۱۳۸۸، ص ۱۹۷). از این رو اهداف نقش مهمی در

سیاست گذاری و تبیین سیاست‌ها دارند. پس نمی‌توان نقش اهداف را که از علل غایی سیاست گذاری هستند، در تبیین و تحلیل سیاست گذاری‌ها نادیده گرفت.

تحلیلگران سیستم عقلایی تأکید می‌کنند اهداف معیارهایی را برای تعمیم و انتخاب از میان گزینه‌های گوناگون عمل فراهم می‌آورند و رهنمودهایی برای تعیین حدود تصمیم‌گیری و عمل در سازمان فراهم می‌آورند و همچنین منبع احساس هویت و عامل انگیزشی برای مشارکت‌کنندگان در سیاست‌ها به‌شمار می‌روند. همه تحلیل‌گران سازمانی بر خواص انگیزشی اهداف تأکید می‌ورزند و معتقدند اهداف به منزله پایه‌های پیوند هم برای مشارکت‌کنندگان و هم برای عموم مردم در خارج از سازمان تأثیر گذارند (Scott, 2003, p. 293)؛ به همین دلیل نقش اهداف در سیاست گذاری همانند ستاره شمال است برای ناوبرها که از آن برای یافتن جهت استفاده می‌کنند (سرتو و پیتز، ۱۳۸۳، ص ۸۹). تحلیل اهداف و سیاست‌ها ارتباط تنگاتنگی با هم دارند؛ به همین منظور سیاست گذاری‌ها با هر رویکردی که باشند باید مبتنی بر اهداف، تدوین و ارائه شوند. اهداف همچنین زمینه ارزیابی سیاست‌ها و سیاست گذاری را فراهم می‌کنند. مدیران برای ارزیابی سیاست‌ها باید فرایند سیاست گذاری را با اهداف منطبق سازند و از این طریق مبنایی برای سنجش فرایند سیاست گذاری‌ها مهیا می‌شود.

برای تدوین چارچوب سیاست گذاری فرهنگی تعیین اهداف ضرورتی انکارناپذیر است. چارچوب‌های سیاست گذاری در صورتی می‌توانند سیاست‌گذاران را در اتخاذ تصمیم یاری رسانند که اهداف مشخص باشند. اهداف به‌طور عمده جهت‌گیری‌های راهبردی را مشخص می‌سازند و از طریق آن سیاست‌ها در مسیر تحقق اهداف قرار می‌گیرند؛ به همین دلیل تعیین اهداف در اندیشه مهدویت از الزامات تبیین چارچوب مفهومی سیاست گذاری فرهنگی است.

۲-۱-۱. انواع سیاست‌گذاری

سیاست گذاری دارای انواع و الگوهای گوناگونی است که هر یک در جای خود دارای اهمیت است. سیاست‌ها معمولاً در عالی‌ترین سطح تدوین می‌شوند و به مدیران کمک

می‌کنند تا آزادی کافی برای تصمیم‌گیری و تحقق اهداف سازمان داشته باشند. مدیران از طریق سیاست‌ها درمی‌یابند تصمیماتشان در چارچوب‌های مشخص قرار می‌گیرند و از طریق آنها هدایت می‌شوند (Terry, 1982, p. 214). سیاست‌ها به دو شکل ممکن است ظهور و بروز یابند که هر یک دارای مزایای بالقوه‌ای هستند: نخست سیاست‌های آشکار که معمولاً برای موقعیت‌های آشکار و واضح برای جهت‌دادن به اقدامات مدیران تدوین می‌شوند. سیاست‌گذاری فرهنگی گاه به صورت آشکار از طریق یک فرایند تعریف‌شده توسط یک سازمان که متولی آن است تعیین می‌گردد (درودی، ۱۳۹۵، ص ۱۲۸). در مقابل، برخی مدیران با موقعیت‌هایی مواجه می‌شوند که سیاست‌های خاصی برای همه شرایط احتمالی وجود ندارد. در این صورت مدیران سیاست‌ها را از رفتارها و عملکرد مافوق خود درمی‌یابند. به این دسته از سیاست‌ها سیاست‌های ضمنی گفته می‌شود (Sudha, 2003, p. 76). سیاست‌های ضمنی در شرایط پیچیده که موجب بروز عدم اطمینان‌ها می‌شوند، اهمیت فراوانی دارند؛ زیرا جهان پیرامون ما ثابت و بی‌تغییر نیست، بلکه به طرق پیچیده‌ای در حال تغییر است؛ بنابراین با وجود چنین جهانی دیگر نمی‌توان یک تصمیم یا سیاست مشابه در پیش گرفت؛ به همین دلیل در شرایطی که تغییرات گسترده باعث بروز پیچیدگی و عدم اطمینان می‌شوند، مدیران را با موقعیت‌هایی مواجه می‌سازند که سیاست‌های از پیش تعیین‌شده و آشکاری برای آنان وجود ندارد؛ در این موقعیت‌ها سیاست‌های ضمنی می‌تواند راهگشای مدیران برای یافتن مسیر و روش انجام اقدامات و اتخاذ تصمیمات باشد.

مسائل امروز نسبت به گذشته بسیار پیچیده‌ترند و سیاست‌گذاری باید توان رویارویی با این پیچیدگی‌ها را داشته و عمق آنان را درک کند؛ به عبارت دیگر رویه‌های ساده نباید ملاک و معیار سیاست‌گذاری قرار گیرند، بلکه باید به عمق مسائل پرداخته شود و با دورنگری، عدم قطعیت در مسائل و موضوعات را تحلیل و بررسی کرد و مبتنی بر آن روش و مسیر حرکت را تبیین نمود (الوانی و شریف‌زاده، ۱۳۹۱، ص ۱۸۲)؛ بنابراین سیاست‌های ضمنی در شرایط عدم قطعیت کاربرد فراوانی دارند. سیاست‌های ضمنی در صورتی می‌توانند اثربخش واقع شوند که در راستای اهداف سازمان قرار گیرند؛ به همین دلیل چارچوب سیاست‌گذاری‌ها باید مبتنی بر اهداف سازمان باشند.

۳. روش پژوهش

پژوهش حاضر از نوع پژوهش‌های کیفی و اکتشافی است که برای گردآوری اطلاعات از روش کتابخانه‌ای و مراجعه به کتاب‌های مرتبط با موضوع مهدویت بهره می‌جوید. با توجه به اینکه روایی داده‌های گردآوری شده در پژوهش‌های کیفی در گرو صحت داده‌ها و اطلاعات به‌دست آمده است (Maxwell, 1992, p. 282)، در این پژوهش سعی شد داده‌های مورد نیاز از منابع معتبر روایی گردآوری شود. برای ارزیابی پایایی نیز مضامین ایجاد شده توسط برخی از خبرگان مورد ارزیابی و بررسی قرار گرفت.

به منظور تبیین اهداف فرهنگی و شناسایی مؤلفه‌های چارچوب سیاست‌گذاری فرهنگی در اندیشه مهدویت، اطلاعات گردآوری شده با روش تحلیل مضامین تحلیل و بررسی قرار می‌شوند. این روش، فرایندی برای تحلیل داده‌های متنی است که قابلیت ارائه یک گزارش غنی، دقیق و در عین حال پیچیده‌ای از داده‌ها را دارد (Braun & Clarke, 2006, p. 81). در این پژوهش برای تحلیل مضامین روایات مرتبط با اندیشه مهدویت از روش شبکه مضامین استفاده می‌شود. شبکه مضامین نقشه‌ای شبیه تارنما از یافته‌های پژوهش ارائه می‌کند که مضامین در یک فرایند سه مرحله‌ای از داده‌ها استخراج می‌شوند. در نخستین مرحله که به آنان «مضامین پایه»^۱ گفته می‌شود از تحلیل مضمون داده‌های اولیه به‌وجود می‌آیند؛ سپس در مرحله دوم مضامین پایه تحلیل می‌شوند و یک مضمون کلی و انتزاعی‌تر از آنان استخراج می‌شود که به «مضامین سازمان‌دهنده»^۲ مشهورند. در نهایت مضامین سازمان‌دهنده در استعاره‌های عمده و مهم به‌صورت یکپارچه خلاصه می‌شوند که به آنان «مضامین فراگیر»^۳ گفته می‌شود. مضامین فراگیر در واقع مضامین سازمان‌دهنده هستند که به‌صورت یکپارچه و منظم در یک مفهوم اساسی و مهم خلاصه می‌شوند (Attride stirling, 2001, p. 388). در این پژوهش نیز با انجام سه مرحله بالا، مضامین روایات مرتبط با مهدویت، تحلیل و بررسی می‌شوند. برای ایجاد مضامین از روش تحلیل روایتی استفاده می‌شود. در این

1. Basic Themes.
2. Organizing Themes.
3. Global Themes.

روش با تمرکز بر محتوای روایات، مضامین شکل می‌گیرند و سپس در مراحل بعدی براساس مقایسه و مشابهت آنان با یکدیگر به صورت شبکه‌ای مرتبط می‌شوند. جدول ۱ و ۲ نمونه‌ای از فرایند تحلیل مضامین برای شناسایی و تبیین اهداف فرهنگی و مؤلفه‌های چارچوب سیاست‌گذاری فرهنگی در اندیشه مهدویت را نشان می‌دهند.^۱

جدول ۱. تحلیل مضامین اهداف فرهنگی در اندیشه مهدویت

ردیف	مضامین سازمان‌دهنده	مضامین فراگیر
۱	برقراری عدالت اجتماعی و گسترش قسط و عدل در سراسر جهان	گسترش و شیوع
۲	از بین بردن تبعیضات نژادی و طبقاتی و گسترش برابری و مساوات	عدالت
۳	تثبیت و گسترش صلح و امنیت جهانی و از بین بردن تجاوز و جنگ	گسترش امنیت جهانی
۴	تأسیس حکومت جهانی و در دست گرفتن حاکمیت جهان؛	
۵	آزادسازی بشریت از چنگال ستمکاران، جباران و مفسدان	
۶	به کمال رساندن علم و دانش بشری و رشد و شکوفایی عقل و اندیشه	تکامل عقل و اندیشه
۷	اصلاح سبک زندگی و استفاده صحیح و بهینه از امکانات و منابع مادی و معنوی جهان	جهانی شدن فرهنگ اسلامی
۸	احیای آیین توحید و یکتاپرستی (اسلام) و نابودی آیین‌های انحرافی و باطل	
۹	بسط و گسترش فضایل اخلاقی و ریشه‌کن کردن رذایل و آلودگی‌های اخلاقی	
۱۰	رساندن جامعه بشری به کمال مطلوب و رشد و بالندگی اخلاقی	
۱۱	تدبیر نظام جهان براساس ایمان به خدا، احکام اسلام و آموزه‌های قرآن	

۱. به دلیل محدودیت در حجم مقاله از ذکر جدول راهبردها و تحلیل مضامین پایه اجتناب می‌شود.

جدول ۲. تحلیل مضامین مؤلفه‌های سیاست‌گذاری فرهنگی در اندیشه مهدویت

ردیف	مضامین سازمان‌دهنده	مضامین فراگیر
۱	پیوستن گروه‌های مختلف به امام	شبکه‌سازی
۲	گروه‌های حق‌طلب	
۳	گروه زمینه‌ساز ظهور	
۴	اهتمام برای رسیدن به حق	پیاپیاده‌سازی و اجرا
۵	استواری و صلابت در امور	
۶	سرعت در انجام امور	
۷	امثال اوامر امام زمان ۷	
۸	کوشش در اطاعت از امام زمان ۷	
۹	مقابله با مظاهر فساد	نهادینه‌سازی ارزش‌ها
۱۰	التزام به پرهیزگاری و اخلاق	
۱۱	مقابله با عوامل فساد و تباهی	
۱۲	تخلیق کارگزاران به اخلاق حسنه	
۱۳	اتحاد و اجماع قلبی	مشارکت در امور
۱۴	نصرت و کمک برای انجام امور	
۱۵	عزت دینی	عزت‌مدارانه
۱۶	عزت‌مداری اسلام	

۴. یافته‌های پژوهش

پس از تحلیل مضامین معارف مرتبط با موضوع مهدویت، به منظور تبیین چارچوب مفهومی سیاست‌گذاری فرهنگی در اندیشه مهدویت، دو عنصر مهم و اساسی برای چارچوب مذکور شناسایی شد. این عناصر شامل اهداف فرهنگی و مؤلفه‌های سیاست‌گذاری فرهنگی در اندیشه مهدویت‌اند که هر یک در ادامه تبیین می‌شوند.

۴-۱. اهداف فرهنگی در اندیشه مهدویت

پس از تحلیل مضامین سازمان‌دهنده، اهداف فرهنگی در اندیشه مهدویت در چهار مضمون فراگیر به‌عنوان اهداف کلان در اندیشه مهدویت قرار گرفت. در واقع با بررسی‌های انجام‌شده در آموزه‌های مهدویت، چهار هدف اساسی برای اندیشه مهدویت قابل تصور است که هر یک در ادامه تبیین می‌شوند.

۴-۱-۱. گسترش و شیوع عدالت

عدالت همواره مطلوب جوامع بشری است. در اندیشه‌های اسلامی نیز به این موضوع توجه شده و زمامداران دینی همیشه در پی عدل و عدالت بودند و سعی داشتند تا مبنای تمام اقدامات و عملکردشان بر محور عدالت شکل گیرد. با بررسی و تحلیل مضامین روایات و دعاهای متعدد در زمینه مهدویت که اشاره به برقراری عدالت اجتماعی، گسترش قسط و عدل در سراسر جهان و از بین بردن تبعیضات نژادی و طبقاتی و گسترش برابری و مساوات در اندیشه مهدویت دارد، می‌توان دریافت گسترش و شیوع عدالت از اهداف کلان در اندیشه مهدویت است؛ به همین دلیل یکی از اهداف مهم و اساسی در سیاست‌گذاری فرهنگی در اندیشه مهدویت باید در راستای گسترش و شیوع عدالت باشد. در روایات بر این موضوع تأکید شده و در توصیف ویژگی‌های عصر ظهور چنین بیان شده است که «يَمَلَأُ اللَّهُ الْأَرْضَ بِرِ قِسْطٍ وَ عَدْلٍ كَمَا مَلَأَتْ ظُلْمًا وَ جَوْرًا» (طوسی، ۱۴۱۱ق، ص ۵۰). در روایت دیگری امام صادق ۷ درباره این موضوع می‌فرمایند: «إِذَا قَامَ الْقَائِمُ عَ حَكَمَ بِالْعَدْلِ وَ ارْتَفَعَ فِي أَيَّامِهِ الْجَوْر» (اربعی، ۱۳۸۲، ج ۲، ص ۴۶۵).

در فرازی از زیارت مخصوص حضرت گسترش عدالت مطرح می‌شود و از خداوند چنین درخواست می‌شود: «اللَّهُمَّ اِنلأْ بِهِ الْاَرْضَ قِسْطاً وَ عَدْلًا» (کفعمی، ۱۴۱۸ق، ص ۲۸۶). براساس مضامین روایات و دعاهای متعدد در اندیشه مهدویت، هدف امام زمان 7 گسترش و تحقق عدالت است. سیاست‌های فرهنگی در اندیشه مهدویت معطوف به گسترش و شیوع عدالت است؛ به همین دلیل سیاست‌گذاری فرهنگی در اندیشه مهدویت رویکردی عدالت‌محور را دنبال می‌کند. سیاست‌های فرهنگی در اندیشه مهدویت باید معطوف به تحقق و گسترش عدالت باشد. وقتی عدالت محوری هدف باشد، در شرایط پیچیده‌ای که امکان اتخاذ تصمیم‌ها و سیاست‌های مشابه وجود نداشته باشد، سیاست‌گذاران فرهنگی به‌راحتی می‌توانند جهت سیاست‌های عدالت‌محور را تشخیص دهند و متناسب با اقتضائات و شرایط موجود سیاست‌های جایگزین برای گسترش و شیوع عدالت را تدوین و اجرا کنند.

۴-۱-۲. گسترش امنیت جهانی

گسترش امنیت از اهداف مصلحان اجتماعی است، به‌طوری‌که این موضوع به یکی از دغدغه‌های مهم آنان تبدیل شده است. در این پژوهش با بررسی‌های انجام‌شده در آموزه‌های مهدویت، موضوعاتی از قبیل تثبیت و گسترش صلح و امنیت جهانی و از بین بردن تجاوز و جنگ، تأسیس حکومت جهانی و در دست گرفتن حاکمیت جهان و آزادسازی بشریت از چنگال ستمکاران، جباران و مفسدان از مضامین سازمان‌دهنده‌ای هستند که در فرایند تحلیل مضامین از آموزه‌های مربوط به مهدویت به‌دست آمده‌اند. درباره گسترش امنیت در سراسر جهان در اندیشه مهدوی از امام علی 7 چنین نقل شده است: «لَوْ قَدْ قَامَ قَائِمُنَا لَأَنْزَلَتِ السَّمَاءُ فُطْرَهَا وَ لَأَخْرَجَتِ الْأَرْضُ نَبَاتَهَا وَ لَدَهَبَتِ الشَّحْنَاءُ مِنْ قُلُوبِ الْعِبَادِ وَ اضْطَلَحَتِ السَّبَاعُ وَ الْبِهَائِمُ حَتَّى تَمْشِيَ الْمَرْأَةُ بَيْنَ الْعِرَاقِ إِلَى الشَّامِ لَا تَضَعُ قَدَمِهَا إِلَّا عَلَى النَّبَاتِ وَ عَلَى رَأْسِهَا رَبِيعٌ لَا يَهْجُهَا سَبْعٌ وَ لَا تَحَافَةُ» (ابن بابویه، ۱۳۶۲، ج ۲، ص ۶۲۶). در روایت دیگری از امام باقر 7 نقل شده است: «وَ تَخْرُجُ الْعَجُوزَةُ الضَّعِيفَةُ مِنَ الْمَشْرِقِ تُرِيدُ الْمَغْرِبَ لَا يُؤْذِيهَا أَحَدٌ» (عیاشی، ۱۳۸۰، ج ۲، ص ۶۱). مضامین این

روایات بر این نکته اشاره دارند که تحقق امنیت و گسترش آن در جامعه از مهم‌ترین اهداف سیاست‌گذاری در اندیشه مهدویت است؛ بنابراین براساس اندیشه مهدویت هر نوع سیاست‌گذاری فرهنگی و اقدامات مرتبط با آن در راستای تحقق و گسترش امنیت و صلح جهانی بروز و ظهور می‌یابد.

۴-۱-۳. تکامل عقل و اندیشه

تکامل عقل و اندیشه یکی از اهدافی است که از تحلیل مضامین برخی آموزه‌های مهدوی به دست می‌آید. در واقع لازمه حاکمیت مطلوب و کارآمد در جهان، تکامل عقل و اندیشه سیاستمداران و مردم آن جامعه است؛ به همین دلیل با تکامل عقل و اندیشه است که زمینه تحقق حاکمیت مستضعفان بر گستره عالم هستی فراهم می‌شود. همچنین استقرار حکومت عدل جهانی در گرو تکامل عقل و اندیشه کنشگرانی است که در تحقق این حکومت نقش ایفا می‌کنند؛ بنابراین یکی از اهداف مهم و اساسی در اندیشه مهدویت ناظر به تکامل عقل و اندیشه کنشگران جامعه مهدوی است. در همین خصوص امام باقر ۷ می‌فرماید: «إِذَا قَامَ قَائِمُنَا وَضَعَ اللَّهُ يَدَهُ عَلَى رُءُوسِ الْعِبَادِ فَجَمَعَ بِهَا عُقُولَهُمْ وَ كَمَلَتْ بِهِ أَحْلَامَهُمْ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۲۵).

شهید مطهری یکی از مشخصات اندیشه مهدوی در عصر ظهور را بلوغ فکری و خردمندی کامل و پیروی از فکر و ایدئولوژی و آزادی از اسارت شرایط طبیعی و اجتماعی و غرایز حیوانی برمی‌شمارد (مطهری، ۱۳۹۰، ص ۶۰). تکامل عقل و اندیشه دارای فرایندی تدریجی است که زمینه‌های آن از دوران غیبت آغاز و در عصر ظهور به اوج شکوفایی می‌رسد؛ چنان‌که امام سجاد ۷ در این خصوص می‌فرماید: «إِنَّ أَهْلَ زَمَانِ عَيْبَتِهِ الْقَائِلُونَ بِإِمَامَتِهِ الْمُتَنَطِرُونَ لِظُهُورِهِ أَفْضَلُ أَهْلِ كُلِّ زَمَانٍ لِأَنَّ اللَّهَ تَعَالَى ذِكْرُهُ أَعْطَاهُمْ مِنَ الْعُقُولِ وَالْأَفْهَامِ» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۵۲، ص ۱۲۲). همان‌طور که از مضامین برخی از گزاره‌های مربوط به مهدویت به دست آمده است، تکامل عقل و اندیشه کنشگران در جامعه مهدوی از اهداف مهم و اساسی در اندیشه مهدویت است.

۴-۱-۴. جهانی شدن فرهنگ اسلامی

با بررسی‌های انجام‌شده در آموزه‌های مهدویت، برخی مضامین در قالب مضامین سازمان‌دهنده شناسایی شدند، که عبارت‌اند از: اصلاح سبک زندگی، اهتمام به دیدگاه توحیدی و نابودی فرقه‌ها و آیین‌های انحرافی و باطل، بسط و گسترش فضایل اخلاقی و ریشه‌کن کردن رذایل و آلودگی‌های اخلاقی، رساندن جامعه بشری به کمال مطلوب و رشد و بالندگی اخلاقی و تدبیر نظام جهان براساس ایمان به خدا، احکام اسلام و آموزه‌های قرآن. این مفاهیم در فرایند تحلیل مضامین در مفهوم کلی‌تر و انتزاعی‌تر با عنوان جهانی شدن فرهنگ اسلامی قرار می‌گیرند؛ البته جهانی شدن فرهنگ اسلامی در اندیشه مهدوی منوط به نابودی ملت‌های دیگر نیست، بلکه منظور از جهانی شدن فرهنگ اسلامی در اندیشه مهدوی، تبلور عقاید توحیدی در بین ملت‌های جهان است (صوفی‌آبادی، ۱۳۸۳، ص ۱۰۹). گسترش عقاید توحیدی زمینه اصلاح سبک زندگی، مقابله با انحرافات فرهنگی و رذایل اخلاقی و تعالی جامعه جهانی را فراهم می‌سازد؛ به همین دلیل جهانی شدن فرهنگ اسلامی در اندیشه مهدوی دارای آثار و پیامدهای کارآمدی در عرصه‌های مختلف اجتماعی خواهد بود؛ به همین دلیل یکی از اهداف مهم و کلان در اندیشه مهدوی به‌شمار می‌رود.

در آموزه‌های مهدوی با تعابیر و مضامین مختلفی به جهانی شدن فرهنگ اسلامی اشاره می‌شود. رسول خدا ۹ در این خصوص می‌فرماید: «لَيَدْخُلَنَّ هَذَا الدِّينُ عَلَيَّ مَا دَخَلَ عَلَيْهِ اللَّيْلُ» (شریف رضی، ۱۴۲۲ق، ص ۳۷۴). در روایت دیگری از امام باقر ۷ نقل شده است: «إِذَا قَامَ الْقَائِمُ لَا يَبْقَى أَرْضٌ إِلَّا نُودِيَ فِيهَا شَهَادَةٌ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۵۲، ص ۳۴۰). حضرت علی ۷ نیز در این باره می‌فرماید: «وَلَا يَبْقَى أَرْضٌ إِلَّا نُودِيَ فِيهَا شَهَادَةٌ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۵۲، ص ۳۴۵). این روایات بیانگر این نکته هستند که آموزه‌های توحیدی در سراسر جهان گسترش می‌یابند و از این طریق بسیاری از امورات به ویژه سبک زندگی مردم اصلاح می‌شوند و انحرافات اخلاقی از جوامع و ملت‌ها رخت برمی‌بندند؛ بنابراین جهانی شدن فرهنگ اسلامی در اندیشه مهدویت یکی از اهداف

متعالی آن است، به طوری که بسیاری از برنامه‌ها و سیاست‌ها مبتنی بر آن شکل می‌گیرند و در جامعه اجرا می‌شوند.

۵. مؤلفه‌های سیاست‌گذاری فرهنگی در اندیشه مهدویت

سیاست‌گذاری فرهنگی به دنبال مطالعه و اقدام هدفمند در حوزه مسایل فرهنگی است. این موضوع در اندیشه مهدویت مبتنی بر چارچوبی مشخص است که تمام تدابیر و اقدامات هدفمند را مبتنی بر آن دنبال می‌کند. در این پژوهش پس از تحلیل مضامین آموزه‌های مهدوی، پنج مؤلفه و عنصر در چارچوب سیاست‌گذاری‌های فرهنگی مهدوی نقش مهم و کلیدی را ایفا می‌کنند. هریک از این مؤلفه‌ها در ادامه تبیین خواهند شد.

۵-۱. شبکه‌سازی

بنابر بررسی‌های انجام‌شده در این پژوهش، «شبکه‌سازی» یکی از ارکان و مؤلفه‌های سیاست‌گذاری فرهنگی در اندیشه مهدویت به‌شمار می‌رود. این مؤلفه مهم و حیاتی از مضامین سازمان‌دهنده «پیوستن گروه‌های مختلف به امام 7»، «گروه‌های حق‌طلب» و «گروه زمینه‌ساز ظهور» شکل می‌گیرد.

از امام باقر 7 روایت شده است: «بِيَاغِ الْقَائِمِ بَيْنَ الرُّكْنِ وَالْمَقَامِ ثَلَاثُمَائَةٍ وَ نَيْفَ عِدَّةٍ أَهْلِ بَدْرٍ فِيهِمُ التُّجَبَاءُ مِنْ أَهْلِ مِصْرَ وَ الْأَبْدَالُ مِنْ أَهْلِ الشَّامِ وَ الْأَخْيَارُ مِنْ أَهْلِ الْعِرَاقِ فَيَقِيمُ مَا شَاءَ اللَّهُ أَنْ يَقِيمَ» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۵۲، ص ۳۳۴). در روایت دیگری رسول خدا 9 از پیوستن عصائب اهل عراق به امام 7 خبر می‌دهند و می‌فرمایند: «أَتَاهُ أَبْدَالُ الشَّامِ وَ عَصَائِبُ أَهْلِ الْعِرَاقِ فَيَبَايَعُونَهُ» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۵۱، ص ۸۸). در روایت دیگری از ایشان نقل شده است: «يَخْرُجُ نَاسٌ مِنَ الْمَشْرِقِ، فَيَعْطُونَ الْمَهْدِيَّ سُلْطَانَهُ يَدْعُونَهُ» (ابن‌حیون، ۱۴۰۹ق، ج ۳، ص ۳۶۵). در روایت دیگری از امام باقر 7 نقل شده است گویی قومی را می‌بینم که از مشرق برای طلب حق قیام می‌کنند (ابن‌ابی‌زینب، ۱۳۹۷، ص ۲۷۳). مضمون این روایات بیانگر ایفای نقش شبکه‌ها در قالب گروه‌های مختلف در تدوین و اجرای

سیاست‌های فرهنگی مهدوی است. شبکه‌ها جایگاه برجسته‌ای در سیاست‌گذاری فرهنگی دارند؛ زیرا همه سطوح اجتماع را که شامل سطوح خرد، میانی و کلان در تمام حوزه‌های خصوصی و عمومی می‌شوند، به یکدیگر متصل می‌کنند (ون‌دایک، ۱۳۸۳، ص ۸۶)؛ از این رو ایجاد شبکه‌های مهدوی، سازوکاری مهم برای پیشبرد و اجرای سیاست‌های فرهنگی در اندیشه مهدویت است. با توجه به اینکه تحلیل شبکه‌ای بر پایه این اندیشه بنا شده است که یک سیاست، در درون بافتی از روابط و وابستگی‌ها چارچوب‌بندی می‌شود (پارسونز، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۲۸۱)، چارچوب سیاست‌گذاری فرهنگی در اندیشه مهدویت نیز مبتنی بر توسعه روابط تنگاتنگ بین شبکه‌های درون‌فرهنگی و میان‌فرهنگی است. شبکه‌های مختلف فرهنگی که در نقاط مختلف جهان هستند، نقش مهمی در پیشبرد سیاست‌های فرهنگی در اندیشه مهدویت دارند. این شبکه‌ها به دلیل توان تعاملی بالا با جامعه هدف و درک مسایل و نیازهای فرهنگی جوامع خود توان بالقوه‌ای برای همراه‌سازی کنش‌های اجتماعی در راستای اهداف و سیاست‌های فرهنگی مهدوی دارند.

۲-۵. پیاده‌سازی و اجرا

یکی از مهم‌ترین اقدامات در سیاست‌گذاری، اجرای^۱ سیاست است. اجرا به معنای انجام‌دادن، انجام‌شدن، تحقق‌یافتن، ایجادشدن و کامل‌شدن است (دنهارت، ۱۳۸۸، ص ۲۲۳)؛ به عبارت دیگر اجرا، ایجاد تعامل بین هدف‌گذاری و اقداماتی است که در جهت رسیدن به آنان طرح‌ریزی می‌شوند. همچنین قدرت و توانایی در ایجاد پیوندهای متوالی در زنجیره روابط علی را به صورتی که منجر به نتایج مطلوب شود، اجرای سیاست گویند (الوانی و شریف‌زاده، ۱۳۹۱، ص ۱۰۶). چارچوب سیاست‌گذاری فرهنگی در اندیشه مهدویت نیز به این موضوع توجه کرده است. با بررسی‌های انجام‌شده در این پژوهش، مضامینی از تعالیم و آموزه‌های مهدوی به دست آمد که در یک مضمون فراگیر با

1. Implementation.

عنوان «اجرا» به عنوان یکی از مؤلفه‌های چارچوب سیاست‌گذاری فرهنگی در اندیشه مهدویت مطرح شد.

در این پژوهش مؤلفه اجرای سیاست از مضامین سازمان‌دهنده «اهتمام برای رسیدن به حق»، «استواری و صلابت در امور»، «سرعت در انجام امور»، «امثال اوامر امام زمان 7» و «کوشش در اطاعت از امام زمان 7» انتزاع شده است.

در فرازی از دعای عهد از خدا درخواست می‌شود در زمره کسانی قرار گیریم که خواسته‌ها و مطالبات حضرت را برآورده و اجرا می‌کنند^۱ (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۵۳، ص ۹۶). در عبارت دیگری از این دعا به توفیق امثال اوامر حضرت 7 اشاره شده است^۲ (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۵۳). با توجه به برخی از آموزه‌های مهدوی، یکی از موضوعاتی که بسیار به آن توجه شده است، امثال دستورها و سیاست‌های امام زمان 7 است. این موضوع در سیاست‌های فرهنگی حضرت نیز جریان دارد و لازمه پیشبرد سیاست‌های فرهنگی و تحقق اهداف فرهنگی در اندیشه مهدویت اجرای سیاست‌ها است. ضرورت اجرای سیاست‌های فرهنگی در اندیشه مهدوی را می‌توان در فرازی از دعای ندبه مشاهده کرد. در این دعا درخواست می‌شود تا توفیق تلاش و کوشش برای اطاعت از اوامر امام زمان 7 برای افراد فراهم شود^۳ (ابن‌مشهدی، ۱۴۱۹ق، ص ۵۸۴). مضمون این دعاها و آموزه‌های مهدوی بیانگر این نکته مهم است که سیاست‌های فرهنگی در اندیشه مهدویت مبتنی بر مؤلفه اجرای سیاست است. در واقع سیاست‌های فرهنگی زمانی بروز و ظهور می‌یابند و جامعه را به نسیم عطر آگین فرهنگ اسلامی خوشبو می‌سازند که به اجرای آنان مبادرت شود؛ براین اساس بنابر بررسی‌های انجام‌شده در این پژوهش، یکی از مؤلفه‌های مهم و اساسی در چارچوب سیاست‌گذاری فرهنگی در اندیشه مهدویت، اجرای سیاست‌های فرهنگی است.

اجرای سیاست‌های فرهنگی را نمی‌توان جدای از تدوین سیاست دانست؛ به همین دلیل بزرگ‌ترین مشکل در اجرای سیاست‌ها، توجه نکردن به تمهیداتی خاص در مرحله

۱. «اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِنْ أَنْصَارِهِ وَ أَغْوَانِهِ وَ الدَّائِمِينَ عَنْهُ وَ الْمَسَارِعِينَ إِلَيْهِ فِي قَضَائِ حَوَائِجِهِ».

۲. «الْمُمْتَلِينَ لِأَوَامِرِهِ وَ نَوَاهِيهِ».

۳. «وَ أَعِنَّا عَلَى تَأْدِيَةِ حُقُوقِهِ إِلَيْهِ، وَ الاجْتِهَادِ فِي طَاعَتِهِ».

شکل‌گیری و تدوین سیاست است. سیاست‌گذاری فرهنگی در اندیشه مهدویت برای رفع این مشکل، به التزام و اهتمام به اجرای سیاست‌های فرهنگی به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های چارچوب سیاست‌گذاری توجه کرده است. براساس اندیشه مهدوی تک‌تک افراد جامعه باید به سیاست‌های فرهنگی ملتزم باشند و با جدیت اجرای سیاست‌های فرهنگی را دنبال کنند.

۵-۳. نهادینه‌سازی ارزش‌ها

چارچوب سیاست‌گذاری فرهنگی در اندیشه مهدویت صرفاً رویکرد سلسله‌مراتبی در مدیریت و سیاست‌گذاری را دنبال نمی‌کند، بلکه از طریق ورود بر حیطه ارزش‌ها سعی دارد به‌نوعی سیاست‌های فرهنگی را از طریق نظام ارزش‌های منابع انسانی مرتبط با موضوع دنبال کند. ارزش‌ها به دلیل تأثیرات پنهان و آشکاری که بر سیاست‌گذاری‌ها به‌ویژه سیاست‌گذاری‌های فرهنگی دارند، نمی‌توان نقش آنان را در چارچوب سیاست‌گذاری‌های فرهنگی در اندیشه مهدویت نادیده انگاشت.

مدیران نمی‌توانند عاری از ارزش باشند. جهت‌گیری ارزشی و دیدگاه هنجاری آنان، سیاست‌های آنان و همچنین واقعیت‌های اجتماعی آینده را تحت تأثیر قرار می‌دهد (دناسی فرد و الوانی، ۱۳۸۸، ص ۹۹)؛ به همین دلیل نقش ارزش‌ها را در سیاست‌گذاری‌ها نمی‌توان نادیده انگاشت.

ارزش در مطالعات سازمانی به مجموعه مقررات یا رهنمودهایی که یک سازمان به پشتوانه آنان، اعضایش را به رفتاری هماهنگ با نظم، امنیت و رشد خود وادار می‌کند، گفته می‌شود (شریعتمداری و ملکی‌فر، ۱۳۸۸، ص ۶۱). ارزش‌ها باید مورد علاقه و احترام کارگزاران باشند تا مبتنی بر آن سیاست‌ها را در راستای اهداف سازمان دنبال کنند.

بنابر بررسی‌های انجام‌شده در این پژوهش، یکی از مؤلفه‌های چارچوب سیاست‌گذاری فرهنگی در اندیشه مهدویت، «نهادینه‌سازی ارزش‌ها» است. این مفهوم از انتزاع و ترکیب مضامین سازمان‌دهنده «مقابله با مظاهر فساد»، «مقابله با عوامل فساد و تباهی»، «التزام به پرهیزگاری و اخلاق» و «تخلیق کارگزاران به اخلاق حسنه» به دست آمده است. قیام و مقابله حضرت با گروه‌های منحرف (طوسی، ۱۴۱۱ق، ص ۴۷۵) بیانگر

ارزش مقابله با مبدأ انحرافات و اعوجاجات فرهنگی است. نمونه بارز آن در روایتی از امام باقر ۷ نقل شده است: چون حضرت مهدی ۷ قیام کند، به طرف کوفه خواهد آمد و چهار مسجد را در آنجا خراب خواهد کرد^۱ (مفید، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۳۸۵). تخریب آن مساجد بیانگر ارزش مقابله با کانون موانع توسعه و اعتلای فرهنگ اسلامی است؛ به همین دلیل حضرت ۷ مقابله با کانون‌های فساد را ارزشمند می‌داند و به آن توجه می‌کند. از سوی دیگر کارگزاران سیاست‌های فرهنگی در اندیشه مهدویت باید متخلق به اخلاق نیکو و پرهیزگاری باشند^۲ (ابن‌ابی‌زینب، ۱۳۹۷، ص ۲۰۰). تخلق به اخلاق نیکو و پرهیزگاری بیانگر نقش کارگزاران فرهنگی در پیشبرد سیاست‌های فرهنگی در اندیشه مهدویت است؛ به همین دلیل یکی از مؤلفه‌های مهم در چارچوب سیاست‌گذاری فرهنگی در اندیشه مهدویت که مرتبط با کارگزاران فرهنگی است، نهادینه‌سازی ارزش‌ها در کارگزاران فرهنگی است که نقش مهمی در سیاست‌گذاری فرهنگی از تدوین تا اجرا دارند.

چارچوب سیاست‌گذاری فرهنگی در اندیشه مهدویت از طریق مؤلفه نهادینه‌سازی ارزش‌ها فعالیت‌ها و عملکرد کارگزاران فرهنگی را منطبق بر سیاست‌ها و در راستای اهداف فرهنگ مهدوی قرار می‌دهد. تبلور ارزش‌ها در سیاست‌گذاری فرهنگی علاوه بر نقش هدایتگرانه می‌تواند نقش خودکنترلی را در سیاست‌های فرهنگی دنبال کند، به طوری که با نهادینه‌شدن ارزش‌ها در کارگزاران فرهنگی، زمینه انحرافات و تخطی از سیاست‌ها به میزان قابل توجهی در آنان کاهش می‌یابد و این موضوع می‌تواند به‌عنوان عاملی چندمنظوره در سیاست‌گذاری فرهنگی در اندیشه مهدوی لحاظ شود.

۵-۴. مشارکت در امور

فرهنگ پدیده‌ای است که به جنبه‌های مشترک جوامع اشاره دارد و در همه جوامع

۱. «إِذَا قَامَ الْقَائِمُ ۷ سَارَ إِلَى الْكُوفَةِ فَهَدَمَ بِهَا أَرْبَعَةَ مَسَاجِدَ».

۲. «مَنْ سَرَّهُ أَنْ يَكُونَ مِنْ أَصْحَابِ الْقَائِمِ فَلْيَنْتَظِرْ وَ لْيَعْمَلْ بِالْوَرَعِ وَ مَحَاسِنِ الْأَخْلَاقِ».

انسانی (کوچک یا بزرگ، ساده یا پیچیده) دیده می‌شود. در واقع فرهنگ از یک پدیده جمعی در بین تک‌تک افراد جامعه حکایت می‌نماید. به همین دلیل هرگونه سیاست‌گذاری در این حوزه نیازمند مشارکت جمعی است. مشارکت در بردارنده‌ی ضرورت احساس تعهد تک‌تک انسان‌ها برای حضور فعال در اجتماع و برعهده‌گرفتن یک نقش ویژه است که نتیجه آن تعاون است (شکوری، ۱۳۹۸، صص ۳۰۵-۳۰۶).

در این پژوهش از مضامین سازمان‌دهنده «اتحاد و اجماع قلبی» و «نصرت و کمک برای انجام امور» مؤلفه «مشارکت در امور» ایجاد شد. مشارکت در امور یکی از مؤلفه‌های چارچوب سیاست‌گذاری فرهنگی در اندیشه مهدویت است. این مؤلفه بیانگر این نکته است که سیاست‌گذاری فرهنگی در اندیشه مهدویت نیازمند مشارکت و هم‌یاری تک‌تک افراد جامعه است. در عبارت‌هایی از دعا‌های مأثور، وظیفه کارگزاران فرهنگی در قبال امام زمان ۷ چنین ترسیم شده است: «نُصِرْتِي مُعَدَّةً لَكُمْ وَ مَوَدَّتِي خَالِصَةً لَكُمْ» (طبرسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲، ص ۴۹۴). منتظران به‌عنوان کارگزاران فرهنگی حضرت نقش مهمی در پیشبرد سیاست‌های فرهنگی مهدویت ایفا می‌کنند؛ به همین دلیل مهم‌ترین توقعی که از کارگزاران فرهنگی انتظار می‌رود، مشارکت در سیاست‌های فرهنگی اتخاذ شده است. مشارکت واقعی در سیاست‌گذاری فرهنگی زمانی کامل می‌شود که بین تک‌تک افراد نوعی همدلی در مورد تحقق سیاست‌های فرهنگی مهدوی وجود داشته باشد. اهمیت این موضوع در نامه‌ای که ایشان به شیخ مفید می‌نگارند، مورد توجه قرار گرفته است و حضرت می‌فرماید: «لَوْ أَنَّ أَشْيَاعَنَا وَفَقَّهُمُ اللَّهُ لَطَاعَتِهِ عَلَى اجْتِمَاعِ مِنَ الْقُلُوبِ فِي الْوَفَاءِ بِالْعَهْدِ عَلَيْهِمْ لَمَا تَأَخَّرَ عَنْهُمْ الْيَمْنُ بِلِقَائِنَا وَ لَتَعَجَّلَتْ لَهُمُ السَّعَادَةُ بِمُشَاهَدَتِنَا عَلَى حَقِّ الْمَعْرِفَةِ» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۵۳، ص ۱۷۷). وجود همدلی بیانگر اوج مشارکت در سیاست‌های فرهنگی است. در واقع کارگزاران فرهنگی زمانی می‌توانند مشارکت حداکثری در تحقق سیاست‌های فرهنگی را دنبال کنند که از همدلی برخوردار شوند؛ بنابراین مشارکت در سیاست‌گذاری یکی از مؤلفه‌های چارچوب سیاست‌گذاری فرهنگی در اندیشه مهدویت است که می‌تواند در مراحل مختلف سیاست‌گذاری نقش آفرین باشد. مؤلفه مشارکت در امور را می‌توان مکمل مؤلفه اجرای سیاست‌های فرهنگی در اندیشه

مهدویت برشمرد. در چارچوب سیاست‌گذاری فرهنگی در اندیشه مهدویت، مشارکت و همیاری تک‌تک افراد جامعه، زمینه اجرای سیاست‌های فرهنگی را فراهم می‌سازد. در واقع مشارکت و همراهی افراد دشواری‌های موجود در مؤلفه اجرای سیاست‌ها را کاهش می‌دهد.

۵-۵. عزت مدارانه

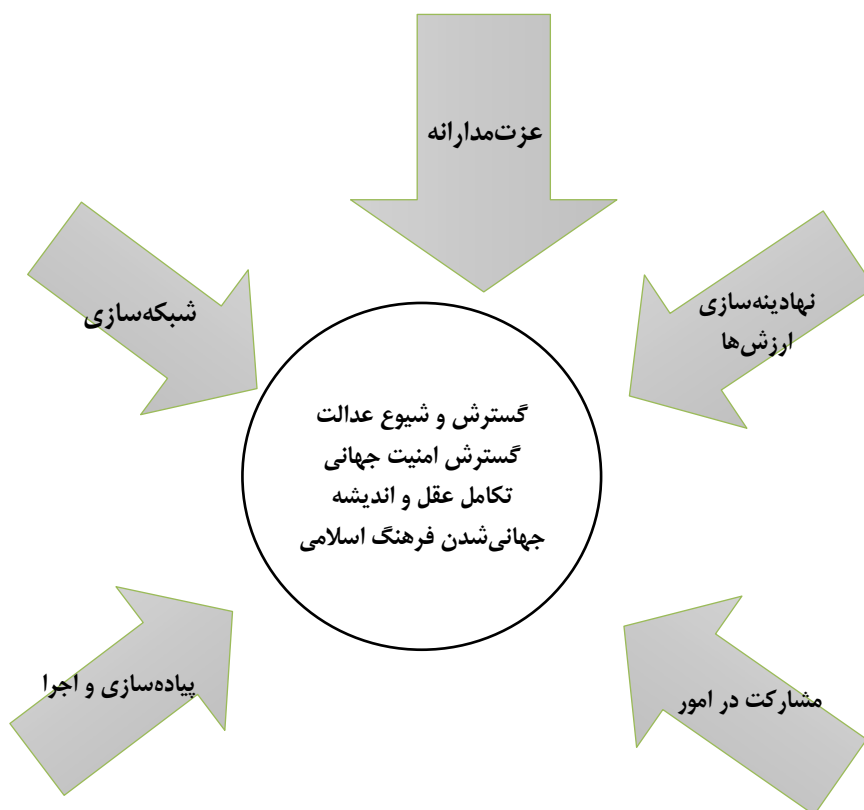
نوآوری‌های فنی، دگرگونی ارزش‌ها، تغییر مرزهای فرهنگی و استراتژیک جهان، تأثیر اجتناب‌ناپذیری بر سیاست‌گذاری‌های فرهنگی گذاشته‌اند، به طوری که چارچوب سیاست‌گذاری‌های فرهنگی مبتنی بر پلورالیسم فرهنگی^۱ شکل گرفته است. این موضوع باعث می‌شود سیاست‌گذاران فرهنگی در رویارویی با مسایل فرهنگی «بدون ساختار» دچار خودباختگی و وادادگی فرهنگی شوند. مسایل بدون ساختار به آن دسته از مسایلی گفته می‌شود که سیاست‌گذاران به دلیل عدم تشخیص عوامل و متغیرهای آن، در تدوین سیاست ناتوان‌اند (الوانی و شریف‌زاده، ۱۳۹۱، ص ۱۹۵). خودباختگی و وادادگی در سیاست‌گذاری فرهنگی به جای تمرکز بر عزت فرهنگ اسلامی، به کپی‌برداری از فرهنگ غیراسلامی روی می‌آورد، در حالی که براساس سخن پیامبر اسلام ۹ که می‌فرمایند «الإسلامُ يُعْلُو ولا يُعْلَى عليه» (ابن‌بابویه، ۱۴۱۳ق، ج ۴، ص ۳۳۴)، چارچوب سیاست‌گذاری فرهنگی در اسلام باید مبتنی بر این قاعده باشد. بنابر بررسی‌های انجام‌شده در آموزه‌های مهدویت، یکی از مؤلفه‌های سیاست‌گذاری فرهنگی در اندیشه مهدویت، عزت و سربلندی سیاست‌های فرهنگی است. در این پژوهش مؤلفه «عزت‌مدارانه» که به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های چارچوب سیاست‌گذاری فرهنگی در اندیشه مهدویت است از مضامین سازمان‌دهنده «عزت دینی» و «عزت‌مداری اسلام» انتزاع شده است.

در بخشی از زیارت مخصوص امام زمان 7 چنین بیان می‌شود: «اللَّهُمَّ وَ أَعَزِّ بِهِ الدِّينَ بَعْدَ الْحُمُولِ» (ابن‌مشهدی، ۱۴۱۹ق، ص ۵۸۹) و در بخشی از دعای مأثور چنین آمده است: «اللَّهُمَّ إِنَّا نَرْغَبُ إِلَيْكَ فِي دَوْلَةٍ كَرِيمَةٍ تُعَزِّزُ بِهَا الْإِسْلَامَ وَ أَهْلَهُ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۳، ص ۴۲۴). این

۱. پلورالیسم فرهنگی ناظر به چگونگی شکل‌گیری تنوع اجتماعی انسان‌ها در آداب و گونه‌های مختلف حیات اجتماعی است.

تعبیر اشاره به عزت و سربلندی دین و اسلام در اندیشه مهدویت دارند؛ به همین منظور چارچوب سیاست گذاری فرهنگی در اندیشه مهدویت باید مبتنی بر عزت و سربلندی باشد. مضمون فراگیر «عزت مدارانه» به عنوان یکی از مؤلفه های چارچوب سیاست گذاری فرهنگی در اندیشه مهدویت خط بطلان بر چارچوب های سیاست گذاری فرهنگی وابسته می کشد؛ به عبارت دیگر این مفهوم با نفی هر گونه وابستگی و وادادگی در سیاست های فرهنگی، بر توسعه و پیشرفت سیاست های فرهنگ اسلامی مبتنی بر عزت و سربلندی دینی را توصیه و تجویز می کند.

تصویر ۱: مؤلفه های چارچوب سیاست گذاری فرهنگی و اهداف فرهنگی در اندیشه مهدویت که در این پژوهش با روش تحلیل مضامین آموزه های مهدوی شناسایی و تحلیل شده اند.



نتیجه‌گیری

در این پژوهش با بررسی و تحلیل آموزه‌های مهدویت، تلاش شد تا چارچوب مفهومی سیاست‌گذاری فرهنگی در اندیشه مهدویت شناسایی شود. این چارچوب از دو عنصر مهم و اساسی تشکیل می‌شود. عنصر اول اهداف فرهنگی در اندیشه مهدویت است. اهداف فرهنگی در اندیشه مهدویت نقش مهمی در ارائه و تدوین سیاست‌های فرهنگی مبتنی بر این اندیشه دارند. اهداف فرهنگی شناسایی شده از آموزه‌های مهدویت شامل گسترش و شیوع عدالت، گسترش امنیت جهانی، تکامل عقل و اندیشه و جهانی شدن فرهنگ اسلامی است. دومین عنصر چارچوب سیاست‌گذاری فرهنگی در اندیشه مهدویت شامل مؤلفه‌های چارچوب سیاست‌گذاری است. این مؤلفه‌ها از ارکان مهم سیاست‌گذاری فرهنگی در اندیشه مهدویت به‌شمار می‌روند. با بررسی و تحلیل آموزه‌های مهدویت، پنج مضمون فراگیر به‌عنوان مؤلفه‌های سیاست‌گذاری فرهنگی در اندیشه مهدویت شناسایی شد. شبکه‌سازی، اجرا، نهادینه‌سازی ارزش‌ها، مشارکت در امور و عزت‌مدارانه‌بودن از مؤلفه‌های چارچوب سیاست‌گذاری فرهنگی در اندیشه مهدویت به‌شمار می‌آیند. هر یک از این مؤلفه‌ها نقش مهمی در فرایند تدوین و تحقق سیاست‌های فرهنگی مبتنی بر اندیشه مهدویت دارند.

شبکه‌سازی، یکی از مؤلفه‌های زمینه‌ای (بافتاری) سیاست‌گذاری فرهنگی در اندیشه مهدویت است. شبکه‌ها به دلیل برخورداری از ظرفیت بالای تعاملی و همراه‌سازی کنش‌های جمعی در فعالیت‌های فرهنگی زمینه بروز و تجلی دیگر اقدامات و مؤلفه‌های سیاست‌گذاری فرهنگی را در جامعه مهدوی فراهم می‌سازند. پس از شبکه‌سازی، اجرای سیاست‌ها توأم با مشارکت جمعی نیز از مؤلفه‌های چارچوب سیاست‌گذاری فرهنگی در اندیشه مهدویت است. این دو مؤلفه دارای ملازمه‌اند به‌طوری که لازمه اجرای سیاست‌های فرهنگی، مشارکت افراد در امور ذی‌ربط است. اجرای سیاست‌های فرهنگی به‌طور مستقیم بر تحقق اهداف گسترش و شیوع عدالت، گسترش امنیت جهانی و جهانی شدن فرهنگ اسلامی تأثیرگذار است؛ به عبارت دیگر شیوع عدالت، گسترش امنیت جهانی و جهانی شدن فرهنگ اسلامی در گرو عملیاتی کردن سیاست‌های فرهنگی

مهدوی توأم با مشارکت تک تک افراد و شبکه‌های مهدوی است.

مؤلفه نهادینه‌سازی ارزش‌ها در چارچوب سیاست‌گذاری فرهنگی مهدویت می‌تواند نقش ارزیابی و کنترل را ایفا کند. الگوهای سیاست‌گذاری نمی‌توانند بی‌توجه به ارزیابی سیاست‌های اتخاذ شده باشند؛ به همین دلیل یکی از اقداماتی که در سیاست‌گذاری‌ها به آن توجه می‌شود، فرایند ارزیابی است. این موضوع در چارچوب مفهومی سیاست‌گذاری فرهنگی مبتنی بر اندیشه مهدویت، در قالب نهادینه‌سازی ارزش‌ها بروز کند. نهادینه‌سازی ارزش‌ها باعث می‌شود میزان انحراف از سیاست‌های فرهنگی به میزان قابل توجهی از طریق نظام‌های کنترل ارزشی کاهش یابد. نهادینه‌سازی ارزش‌ها و انطباق آن با اهداف فرهنگی در اندیشه مهدویت به مثابه یک پیشران انگیزشی موجب می‌شود تا افراد تمام ظرفیت‌ها و توانمندی‌های خود را برای اجرای سیاست‌های فرهنگی در راستای تحقق اهداف فرهنگی به کار گیرند.

مؤلفه عزت‌مدارانه‌بودن سیاست‌های فرهنگی در اندیشه مهدویت نیز روح حاکم بر سیاست‌های فرهنگی است. به نوعی می‌توان این مؤلفه را عاملی فراساختاری برشمرد، به طوری که بر دیگر مؤلفه‌های چارچوب سیاست‌گذاری فرهنگی سایه می‌افکند. در این صورت تمام مؤلفه‌های شبکه‌سازی فرهنگی، اجرای سیاست‌های فرهنگی، مشارکت در امور فرهنگی و نهادینه‌سازی ارزش‌ها باید مبتنی بر عزت باشند. وقتی روح عزت‌مداری در مؤلفه‌های چارچوب سیاست‌گذاری فرهنگی دمیده شود، سیاستگذار فرهنگی مبتنی بر اندیشه مهدویت دچار خودباختگی و وادادگی فرهنگی نمی‌شود. در واقع چنین سیاست‌گذاری‌ایی با تکیه بر نصرت و حمایت پروردگار، با عزمی راسخ در جهت اهداف فرهنگی گام برمی‌دارد و در این مسیر از هیچ تلاشی فروگذار نخواهد بود.

هریک از این پنج مؤلفه که به‌عنوان مؤلفه‌های زمینه‌ای (شبکه‌سازی)، ساختاری (اجرا، مشارکت در امور و نهادینه‌سازی ارزش‌ها) و فراساختاری (عزت‌مدارانه) شناخته می‌شوند، نقش مهمی در تحقق اهداف فرهنگی در اندیشه مهدویت دارند. اگرچه در حوزه سیاست‌گذاری فرهنگی مطالعات گسترده‌ای انجام نشده است، محدود پژوهش‌هایی به‌طور عمده تمرکزشان بر فرایندهای ساختاری و زمینه‌ای سیاست‌گذاری

است. وجه تمایز این پژوهش با دیگر مطالعات انجام شده، در مؤلفه عزت‌مدارانه بودن سیاست‌گذاری فرهنگی است. این مؤلفه که یک مؤلفه فراساختاری به‌شمار می‌رود، نقش مهمی در اجتناب از اتخاذ سیاست‌های فرهنگی واداده و وابسته دارد. پس از تبیین و تحلیل چارچوب سیاست‌گذاری فرهنگی در اندیشه مهدویت پیشنهاد می‌شود:

۱. در مورد شاخص‌ها و ابعاد مؤلفه عزت‌مدارانه در سیاست‌گذاری‌های فرهنگی در اندیشه‌های اسلامی به‌ویژه اندیشه مهدویت پژوهش قرار شود.
۲. هر یک از مؤلفه‌های چارچوب سیاست‌گذاری فرهنگی با استفاده از نظر خبرگانی بررسی شوند و در قالب یک الگوی نظام‌مند تبیین شوند.
۳. چارچوب سیاست‌گذاری فرهنگی در سیره معصومان 7 بررسی شود.

کتابنامه

۱. ابن ابی زینب، محمد بن ابراهیم. (۱۳۹۷). الغیبة للنعمانی. تهران: نشر صدوق.
۲. ابن بابویه، محمد بن علی. (۱۳۶۲). الخصال. قم: انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه.
۳. ابن بابویه، محمد بن علی. (۱۴۱۳ق). من لایحضره الفقیه. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۴. ابن حیون، نعمان بن محمد مغربی. (۱۴۰۹ق). شرح الأخبار فی فضائل الأئمة الأطهار. قم: انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه.
۵. ابن مشهدی، محمد بن جعفر. (۱۴۱۹). المزار الكبير. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۶. اربلی، ابوالحسن علی بن عیسی. (۱۳۸۲). کشف الغمة فی معرفة الأئمة. تهران: نشر اسلامیه.
۷. الوانی، سیدمهدی؛ فتاح شریفزاده. (۱۳۹۱). فرایند خطمشی گذاری عمومی. تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی.
۸. الهی نژاد، حسین. (۱۳۹۵). مهدویت پژوهی: مسئله شناسی، معرفت شناسی و مبانی شناسی. قم: نشر پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۹. پارسونز، واین. (۱۳۸۵). مبانی سیاست گذاری عمومی و تحلیل سیاست ها. (ترجمه: حمیدرضا ملک محمدی). تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۱۰. دانایی فرد، حسن. (۱۳۸۸). تحلیلی بر موانع تولید دانش در حوزه علوم انسانی. فصلنامه سیاست علم و فناوری. ۲(۵)، صص ۱-۱۶.
۱۱. دانایی فرد، حسن؛ سیدمهدی الوانی. (۱۳۸۸). مقدمه ای بر فلسفه نظریه های مدیریت دولتی. تهران: انتشارات صفار.
۱۲. درودی، مسعود. (۱۳۹۵). بررسی چند مدل سیاست گذاری فرهنگی در حوزه آموزش عالی. فصلنامه مطالعات راهبردی سیاست گذاری عمومی، ۶(۳۳)، صص ۱۲۵-۱۴۴.
۱۳. دنهارت، رابرت بی. (۱۳۸۸). تئوری های سازمان دولتی. (ترجمه: سیدمهدی الوانی؛ حسن دانایی فرد). تهران: نشر صفار.
۱۴. سرتو، ساموئل؛ پائول پیتر. (۱۳۸۳). مدیریت استراتژیک. (ترجمه: علی شمخانی). تهران: دانشکده فرماندهی و ستاد.
۱۵. شریعتمداری، نادر؛ ملکی فر، عقیل. (۱۳۸۸). چشم انداز: چگونه رهبران آن را می سازند

- انتقال می‌دهند و برقرار می‌دارند. تهران: اندیشکده صنعت و فناوری.
۱۶. شریف رضی، محمد بن حسین. (۱۴۲۲ق). المجازات النبویه. قم: انتشارات دارالحدیث.
۱۷. شریفی، علیرضا؛ عبدالرضا فاضلی. (۱۳۹۱). واکاوی سیاست‌گذاری فرهنگی در جمهوری اسلامی ایران. فصلنامه مجلس و راهبرد. ۱۹(۶۹)، صص ۵۵-۹۰.
۱۸. شکوری، ابوالفضل. (۱۳۹۸). فلسفه سیاسی ابن‌سینا. تهران: انتشارات عقل سرخ.
۱۹. صوفی‌آبادی، محمود. (۱۳۸۳). اسلام، جهانی شدن و پیامدهای فرهنگی آن. مجله اندیشه صادق، (۱۶-۱۹)، صص ۱۰۲-۱۱۱.
۲۰. طبرسی، احمد بن علی. (۱۴۰۳ق). الإحتجاج علی أهل اللجاج. مشهد: مرتضی.
۲۱. طوسی، محمد بن الحسن. (۱۴۱۱ق). الغیبه. قم: دارالمعارف الاسلامیه.
۲۲. عیاشی، محمدبن مسعود. (۱۳۸۰). تفسیر العیاشی. تهران: المطبعه العلمیه.
۲۳. کفعمی، ابراهیم بن علی عاملی. (۱۴۱۸ق). البلد الأمين و الدرع الحصین. بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
۲۴. کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۰۷ق). الکافی. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۲۵. گوردون، کریستوفر؛ سایمون ماندی. (۱۳۸۳). دیدگاه‌های اروپایی سیاست فرهنگی (ترجمه: هادی غبرائی). تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
۲۶. لطیفی، رحیم. (۱۳۹۴). حاکمیت امامت و مهدویت. بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود (عج).
۲۷. مجلسی، محمدباقر. (۱۴۰۳ق). بحارالانوار. بیروت: دار احیاء التراث.
۲۸. مطهری، مرتضی. (۱۳۹۰). قیام و انقلاب مهدی ۷. تهران: نشر صدرا.
۲۹. مفید، محمد بن محمد. (۱۴۱۳ق)، الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد. قم: کنگره شیخ مفید.
۳۰. ون‌دایک، جان. (۱۳۸۳). سیاست‌گذاری در جامعه شبکه‌ای. فصلنامه رسانه. ۱۵(۲)، صص ۸۵-۱۲۰.

31. Attride Stirling. J (2001). Thematic networks: an analytic tool for qualitative research. *Qualitative Research*, 1(3), pp. 385-405.
32. Braun, V.; V. Clarke (2006). Using thematic analysis in psychology. *Qualitative Research in Psychology*, 3(2), pp. 77-101.

33. Girard. Augustin. (1983). *Cultural development: experiences and policies*. Paris: Unesco.
34. Terry, George Robert. (1982). *Principles of management*. R.D. Irwin.
35. Sudha. G. S. (2003). *Management Concepts and Organisational Behaviour*, RBSA Publishers.
36. Scott. W. Richard. (2003). *Organizations: Rational, Natural and Open System*. New Jersey: Hall.
37. Maxwell. J. (1992). Understanding and validity in qualitative research, *Harvard Education review*, 62(3). pp. 279_300.
38. <http://merriam-webster.com/dictionary/policy>

References

1. Alwani, M., & Sharifzadeh, F. (2012). *Public policy-making process*. Tehran: Allameh Tabatabaei University. [In Persian]
2. Attride Stirling. J (2001). Thematic networks: an analytical tool for qualitative research. *Qualitative Research*, 1(3), pp. 385-405.
3. Ayyashi, M. (2001). *Tafsir Al-Ayyashi*. Tehran: Al-Matba'ah al-elmiyyah. [In Persian]
4. Braun, V., & Clarke, V. (2006). Using thematic analysis in psychology. *Qualitative Research in Psychology*, 3(2), pp. 77-101.
5. Danaeifard, H. (2009). An analysis of the barriers to knowledge production in the humanities. *Journal of Science and Technology Policy*. 1(2), pp. 1-16. [In Persian]
6. Danaeifard, H., & Alvani, M. (2009). *An Introduction to the Philosophy of Public Management Theories*. Tehran: Saffar. [In Persian]
7. Denhart, R. B. (2009). *Theories of government organization* (M. Alvani & H. Danaeifard, Trans.). Tehran: Saffar. [In Persian]
8. Dorudi, M. (2016). A review of several models of cultural policy-making in the field of higher education. *Journal of Strategic Public Policy-making Studies*, 6(20), pp.125-144. [In Persian]
9. Elahi Nejad, H. (2016). *Mahdism studies: problemology, epistemology, and fundamentals*. Qom: Islamic Sciences and Culture Academy. [In Persian]
10. Erbeli, A. (2003). *Kashf al-qommah fi marefat al- a'emmah*. Tehran: Islamiyah Publications. [In Persian]
11. Girard. Augustin. (1983). *Cultural development: experiences and policies*. Paris: UNESCO.
12. Gordon, Ch., & Simon M. (2004). *European Perspectives on Cultural Policy* (H. Ghobrai, Trans.). Tehran: Office of Cultural Research. [In Persian]
13. <http://merriam-webster.com/dictionary/policy>
14. Ibn Abi Zainab, M. (2018). *Al-Qeybah no'mani*. Tehran: Sadough Publications. [In Persian]
15. Al-Shaykh al-Saduq. (1983). *Al-Khasal*. Qom: Society of Islamic Seminary Teachers. [In Persian]

16. Al-Shaykh al-Saduq. (1993). *Man la yahzor al-faqih*. Qom: Islamic Publications Office. [In Arabic]
17. Ibn Hayyun, N. (1989). *Man la Yahzar al-Faqih*. Qom: Society of Islamic Seminary Teachers. [In Arabic]
18. Ibn Mashhadi, M. (1999). *Al-Mazar Al-Kabir*. Qom: Islamic Publications Office. [In Arabic]
19. Kafami, I. (1998). *Al-Balad Al-Amin va Al-Der' Al-Hasin*. Beirut: Al-A'lami le al-matbu'at. [In Arabic]
20. Koleyni, M. (1987). *Al-Kafi*. Tehran: Dar al-kotob al-Islamiyah. [In Arabic]
21. Latifi, R. (2015). *The rule of Imamate and Mahdism*. Hazrat Mahdi Maw'ud Cultural Foundation. [In Persian]
22. Majlesi, M. (1983). *Behar al-Anwar*. Beirut: Dar Ehya' Al-torath. [In Arabic]
23. Maxwell. J. (1992). Understanding and validity in qualitative research, *Harvard Education review*. 62(3). pp. 279-300.
24. Mofid, M. (1993), *Al-Irshad Fi Maarefah Hojajellah Ala Al-Ebad*. Qom: Sheikh Mofid Congress. [In Arabic]
25. Motahhari, M. (2011). *Mahdi's uprising and revolution*. Tehran: Sadra Publications. [In Arabic]
26. Parsons, W. (2006). *Principles of Public Policy-making and Policy Analysis*. (Malek Mohammadi, H. R. Trans.). Tehran: Institute for Strategic Studies. [In Persian]
27. Scott. W. Richard. (2003). *Organizations: Rational, Natural, and Open System*. New Jersey: Hall.
28. Serto, S., & Paul P. (2004). *Strategic Managment*. (A. Shamkhani, Trans.). Tehran: AJA University of Command and Staff. [In Persian]
29. Shakoori, A. (2019). *Ibn Sina's Political Philosophy*. Tehran: Aghl Sorkh. [In Persian]
30. Shariatmadari, N., & Malekifar, A. (2009). *Outlook: How Leaders Build and Transmit It*. Tehran: Industry and Technology Research Institute. [In Persian]
31. Sharif Razi, M. (2002). *Al-Nabawiyah Al-Majazat*. Qom: Dar al-Hadith. [In Arabic]

32. Sharifi, A., & Fazeli, A. (2012). Analysis of cultural policy-making in the Islamic Republic of Iran. *Journal of Parliament and Strategy*. 19(69), pp. 55-90. [In Persian]
33. Sofia Abadi, M. (2004). Islam, its globalization and its cultural consequences. *Journal of Andisheh Sadegh*. No. 16-19, pp. 102-111. [In Persian]
34. Sudha. G S. (2003). *Management Concepts and Organizational Behavior*. RBSA Publishers.
35. Tabarsi, A. (1983). *Al-Ehtejaj Ala Ahl Al-Lejaj*. Mashhad: Morteza. [In Arabic]
36. Terry, George Robert. (1982). *Principles of management*. R.D. Irwin.
37. Tusi, M. (1991). *Al-Qeybah*. Qom: Dar al-ma'aref al-Islamiyah. [In Arabic]
38. Van Dyke, J. (2004). Policy-making in a networked society. *Journal of Media*. 15(2), pp. 85-120. [In Persian]